

حزب‌الله لبنان، توسعه عملی نظریه ولایت فقیه، با حل تعارض دوگانه امت - امامت با دولت - ملت

محمد مهدی اسماعیلی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۱۷

چکیده:

پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، در سنت رایج فقه شیعی، مرجعیت بدون توجه به مرزهای جغرافیایی، جامعه مقلدان ایمانی خود را اداره می‌کرد. پس از استقرار نظام دینی جمهوری اسلامی ایران بر پایه اندیشه سیاسی شیعه، دوگانه امت-امامت در برابر دولت-ملت به چالشی جدی برای حاکمیت نوظهور تبدیل شد. این دوگانگی در حوزه‌های گوناگون، از سیاست خارجی و تعامل با محرومان و مستضعفان همراه با احترام به حاکمیت ملی کشورها تا عرصه‌های دفاعی و نظامی نمود پیدا کرد. یکی از مهم‌ترین جلوه‌های این مسئله در ارتباط با شیعیان کشورهای دیگر مانند عراق، لبنان، بحرین و جمهوری آذربایجان آشکار شد؛ جوامعی که غالباً اکثریت آن‌ها شیعه‌اند و انقلاب اسلامی به‌طور ذاتی بیشترین تأثیر را بر آن‌ها گذاشته است. این مقاله با روش توصیفی-تاریخی و با بررسی الگوی حزب‌الله لبنان، این فرضیه را مطرح می‌کند که حزب‌الله با درک شرایط محیطی و الهام از اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای (حفظه‌الله)، توانسته است ضمن حضور در ساختار سیاسی لبنان به‌عنوان یک حزب، ارتباط راهبردی خود را با ولایت فقیه در ایران حفظ کند و به الگویی قابل اتکا برای حل تعارض میان دو الگوی امت-امامت و دولت-ملت تبدیل شود.

واژگان اصلی:

امت- امامت، لبنان، حزب‌الله، دولت-ملت، ولایت فقیه

^۱ - عضو هیئت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران. m.m.esmaeli@ut.ac.ir

بیان مسئله

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران که بر پایه اندیشه سیاسی اصیل شیعی شکل گرفت، پیش از آن‌که یک تحول سیاسی مهم به شمار آید، تلنگری جدی به اندیشه تمدن جدید مغرب‌زمین بود؛ اندیشه‌ای که دیگر جوامع و ملل را به پیمودن مسیر رشد و توسعه بر اساس الگوهای خود ملزم می‌دانست و ماهیتی شالوده‌شکنانه داشت. رنسانس و آغاز دوره جدید، نگاه مغرب‌زمین را از آسمان به زمین آورد و انسان و تمایلات او را بنیاد نظریات دانشمندان آن سامان قرار داد. از آن‌جا که اندیشه جدید در تقابل با دستگاه فکری کلیسا و مدعیات دینی شکل گرفته بود، حذف یا دست‌کم به حاشیه راندن تفکر دینی به کلیدواژه نظریه‌پردازی غربیان تبدیل شد. از این منظر، برای رسیدن به آرمان‌شهری که توصیف می‌کردند، لازم بود جوامع بشری از قالب اعتقادات و تفکر دینی خارج شوند. آن‌ها این مدل را به سایر جوامع نیز توصیه کرده و پس از ورود به سرزمین‌های اسلامی و استعمار بخش‌های مختلف جهان اسلام، به‌طور گسترده به ترویج آن پرداختند. بخشی از این مأموریت نیز به برخی نخبگان و روشنفکران متأثر از آن‌ها واگذار شد.

بررسی روند تاریخی نشان می‌دهد که تفکر استعماری، با وجود مقاومت‌های گوناگون و با بهره‌گیری از شیوه‌های متنوع، در مجموع به موفقیت قابل توجهی دست یافته است. اما یکی از کانون‌های دائمی مقاومت در برابر این هجمه نظامی و فرهنگی، تشیع و اندیشه‌های برخاسته از آن بود. سلاح اصلی تمدن غربی در این مصاف، فرهنگ و تفکر بود، و اندیشه سیاسی تشیع با اتکا به عقلانیت ذاتی خود، توان بالقوه هضم و پاسخ‌گویی به مفاهیم وارداتی را داشت. در حوزه سیاسی، مسائلی چون قانون، حقوق شهروندی، مشارکت سیاسی، حق اکثریت، و پیدایش دولت-ملت‌های جدید پس از انقراض خلافت اسلامی، عرصه‌هایی بودند که اندیشه شیعی با وجود دشواری‌ها توانست مقاومت فکری و فرهنگی نشان دهد. در نهایت، پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار حاکمیت سیاسی مبتنی بر تفکر شیعی، گسستی جدی در منظومه فکری تمدن جدید ایجاد کرد.

انقلاب اسلامی ایران و رهبر بزرگ آن با بهره‌گیری از شکل و قالب مفاهیم جدید و تزریق محتوای دینی به آن‌ها، تمدن غربی را به چالش کشید. تداوم ۴۷ ساله انقلاب اسلامی، نشانه‌ای روشن از توانایی اندیشه سیاسی شیعه در اداره جامعه سیاسی و اجتماعی است. امروز این اندیشه با بهره‌گیری خردمندانه

از میراث غنی کلامی، فقهی و فلسفی و در عین حال اقتباس شکلی از برخی مفاهیم غربی، با وجود تمام مخالفت‌ها و کارشکنی‌ها، سهمی عمده در اداره جوامع شیعی و الهام‌بخشی به طرفداران تفکر دینی در کشورهای اسلامی و عدالت‌خواهان در سراسر جهان دارد.

اصرار بر اجرای شریعت اسلامی و فقه شیعی، حضور فقیه عادل در رأس حکومت، و تأکید بر نقش تعیین‌کننده مردم در تحقق حاکمیت دینی، از مهم‌ترین عناصر تفکر سیاسی امام و رهبری است. این الگو به دلیل نوپا بودن، گره‌هایی نظری داشته و دارد که با انباشت تجربه حکمرانی بخش عمده‌ای از آن‌ها رفع شده است. تعارض‌هایی چون نسبت دین و ملیت، دموکراسی و دولت اسلامی، آموزه‌های وحیانی و دانش بشری، و جایگاه زنان در عرصه سیاسی و اجتماعی، نمونه‌هایی هستند که این اندیشه نوین تا حد زیادی برای آن‌ها پاسخ عملی فراهم کرده و در مسیر استقرار الگوی جامع نظری و عملی است.

یکی از این چالش‌ها، حیطة حکمرانی ولی فقیه و نائب امام معصوم(ع) است: آیا این حاکمیت به جغرافیای سیاسی دولت-ملت محدود می‌شود یا فراتر رفته و شامل شیعیان در سایر سرزمین‌های اسلامی نیز می‌گردد؟ به نظر می‌رسد شکل‌گیری جنبش حزب‌الله در لبنان و نقش‌آفرینی مؤثر آن در عرصه داخلی این کشور، همراه با ارتباط راهبردی و کلان با ولی فقیه در رأس حاکمیت ایران، گامی مهم در ارائه الگوی عملی برای رفع این تعارض میان دو نظام امت-امامت و دولت-ملت باشد.

اندیشه سیاسی اندیشمندان شیعی لبنان جدید

دوره جدید حیات سیاسی و فکری شیعه در لبنان جدید، به دنبال حضور مرحوم علامه عبدالحسین شرف‌الدین (۱۲۹۰-۱۳۷۷ق) و در ادامه، فعالیت‌های امام موسی صدر آغاز شده است. بعد از استقلال سیاسی لبنان در سال ۱۹۴۳، که در دوره حضور مرحوم شرف‌الدین که خود از مبارزان بزرگ با استعمارگران فرانسوی در لبنان بود، اتفاق افتاد که فضای کنش برای جریان تشیع در آن کشور بسیار محدود و مضیق بود. پس از استقلال، در سال ۱۹۴۳ رهبران مسیحی و اهل سنت، پیمانی به نام میثاق وطنی امضا کردند که بر این اساس رئیس‌جمهور یک مسیحی مارونی و نخست‌وزیر یک مسلمان سنی باشد. بر اثر فشارهای جریان شیعی، از سال ۱۹۴۷ قرار شد رئیس مجلس یک مسلمان شیعه باشد.

این فضای متکثر قومیتی تأثیر خود را در میان اندیشمندان جدید لبنانی گذاشته است. ویژگی عمده دوره اخیر اندیشه سیاسی شیعی لبنان، در کنار تأثیرپذیری از عوامل اصلی و عمومی تطور اندیشه سیاسی

شیعی در دوره اخیر، شرایط جدید جهان اسلام پس از فروپاشی خلافت عثمانی و حضور در سرزمین متکثر لبنان به لحاظ اقوام و مذاهب است. این موضوع باعث پررنگ شدن مباحث وحدت میان فرق اسلامی، و پیشنهاد راهکارهایی برای همجواری مسالمت‌آمیز با پیروان دیگر فرق، در میان اندیشمندان جبل عامل در این دوره شده است. از ویژگی‌های مشترک، علامه شرف‌الدین و امام موسی صدر (۱۳۴۷ - مفقود ۱۳۹۸ ق) که به دنبال رحلت مرحوم شرف‌الدین، از سوی آیت الله العظمی بروجردی و با توجه به اصالت جبل عاملی‌اش، به لبنان اعزام شد همین دغدغه‌مندی می‌باشد. دو نفر از این اندیشمندان لبنان، علامه شرف‌الدین و امام موسی زمینه‌ساز شکل‌گیری حیات سیاسی شیعیان این منطقه و سه اندیشمند دیگر، علامه شمس‌الدین، علامه مغنیه و علامه فضل‌الله در کنار فعالیت‌های سیاسی، بیشتر در حوزه اندیشه فعال بودند.

شرف‌الدین، در سال ۱۳۲۲ ق رهسپار جبل عامل شد و در میان استقبال هم‌وطنانش، در شعور اقامت کرد و در کنار پدر بزرگوارش به ارشاد مردم و تدریس، تعلیم و تربیت نسل جوان همت گماشت. پس از سه سال، به دعوت مردم صور، راهی آنجا شد. وی با تأسیس حسینیه صور آن‌جا راه مرکزی برای برگزاری برنامه‌های گوناگون دینی و اجتماعی تبدیل کرد.

شرف‌الدین، از روزگار جوانی، از اوضاع نابسامان و آشفته آن روز جوامع اسلامی و اختلافات بیهوده و تأسفبار مسلمانان رنج می‌برد. او نه تنها به اصلاح و سازندگی جوامع شیعی می‌اندیشید، بلکه از آغاز اقدام‌های اجتماعی و دینی خود، در اندیشه اصلاح و عزت بخشی به همه ممالک اسلامی و ایجاد اتحاد و برادری در بین فرقه‌های مختلف مسلمانان بود. وی نیم قرن تمام با همه توان علمی و معنوی‌اش و با قلم، بیان و عمل صادقانه‌اش، در مقوله وحدت کوشید و از هیچ سعی و تلاش دریغ نوزید. نخستین گام بلند و سنگین وی در راه وحدت امت اسلامی، تألیف کتاب گرانقدر الفصول المهمة فی تالیف الامه بود که در سال ۱۳۲۷ ق در شهر صور به زیور طبع در آمد. از این تاریخ تا پایان عمر (۱۳۷۷ ق) همواره به دنبال تحقق این آرمان الهی خویش حرکت کرد و به نتایج درخشان و ثمر بخشی دست یافت.

آنچه بعضی از محققین محترم نیز در راه بررسی اندیشه سیاسی مرحوم شرف‌الدین انجام داده اند به این نتیجه کلی برای جامعه لبنان انجامیده است که «او در عمل وحدت مردم لبنان را داروی مسئله استبداد دانسته و اساسی‌ترین سازوکارهای رفع استعمار را در درجه اول، وحدت اسلامی ملل مسلمان و در

درجه دوم برقراری گفتگو میان دو نظریه امامت و خلافت می‌داند.» (پزشکی، ۱۳۸۷: ۷۹)

جایگاه رفیع ایشان در لبنان، به دلیل پایه گذاری رهبری سیاسی و اجتماعی منسجمی برای شیعیان، با توجه به دو عنصر وحدت میان مسلمین و هم جواری با پیروان سایر فرق در صحنه لبنان است که تا به امروز به عنوان منشور اساسی در پیشانی اندیشه و عملکرد سیاسی رهبران و اندیشمندان این کشور قرار داشته است. سید عبدالحسین شرف‌الدین در حقیقت آغازگر حرکت سیاسی و جنبش استقلال طلبانه در لبنان بود و همه گروه‌های شیعی لبنانی پیشتازی ایشان در این عرصه را قبول می‌نمایند.^۱

امام موسی صدر هم در اواخر سال ۱۳۳۸ ه.ش و به دنبال توصیه‌های حضرات آیات بروجردی، حکیم و شیخ مرتضی آل‌یاسین، به وصیت مرحوم آیت الله سید عبدالحسین شرف‌الدین رهبر متوفی شیعیان لبنان را لیبیک گفت و به عنوان جانشین آن مرحوم، ایران را به سوی لبنان ترک نمود. اصلاح امور فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه شیعیان لبنان از یک‌سو، و استفاده از ظرفیت‌های منحصر به فرد لبنان جهت نمایاندن چهره عاقل، عادل، انسان‌دوست و با زمان مکتب اهل بیت به جهانیان از سوی دیگر، اهداف اصلی این هجرت را تشکیل می‌داد. امام موسی مؤسسات سیاسی، دینی و اجتماعی مهمی نظیر جنبش امل، مجلس اعلی شیعیان و حرکت المحرومین در لبنان تأسیس کرد و همچنین پایه‌گذار نوعی زندگی مسالمت‌آمیز با سایر فرقه‌ها و اقوام لبنانی شد. با وجود آن‌که امام موسی صدر دانش‌آموخته مکتب قم و اندیشمندان معاصر بزرگ دیگر شیعی نظیر مرحوم شمس‌الدین، شیخ محمدحسین فضل‌الله و علامه مغینه دانش‌آموخته مکتب نجف بودند، تحت تأثیر محیط سیاسی و اجتماعی لبنانی و جریان فقهی مرحوم شیخ انصاری و نائینی، عمدتاً نظریات سیاسی خود را بر محور ولایت امت بر خودشان استوار نموده‌اند؛ البته امام موسی نیز مانند علامه شرف‌الدین اندیشه سیاسی منسجمی را ارائه نکرده است. در حوزه عمل سیاسی، امام موسی صدر اگرچه لبنان را محل اصلی فعالیت‌های خود قرار داده بود، اما هیچگاه از دیگر مسائل جهان اسلام غافل نبود. انقلاب اسلامی در ایران،

^۱ سید حسن نصر الله در نطق خود به مناسبت سالروز آزاد سازی مناطق جنوب لبنان گفت: من خطاب به امام عبدالحسین شرف‌الدین می‌گویم که جبل عامل و جنوب لبنان با تکیه بر شما و زیر عباي شما و امام موسی صدر در نهایت شاهد پیروزی را در آغوش گرفت.»

امنیت حوزه‌های علمیه، اتحادی عربی اسلامی جهت مبارزه با اسرائیل و گسترش تشیع در آفریقای سیاه، مهمترین دغدغه‌های خارج از لبنان ایشان را تشکیل می‌دادند.

از دیگر شخصیت‌های برجسته لبنان آیه الله محمد حسین فضل الله (۱۳۵۴-۱۴۳۲ ه. ق) بود، که با توجه به سابقه فعالیت‌های سیاسی، اندیشمندی مبارز و دارای آرای روشنی در حوزه اندیشه سیاسی است. ایشان بر خلاف اغلب نظریه پردازان لبنانی، تصریحات روشنی در مورد لزوم تشکیل حکومت اسلامی، هم در حوزه نظر و هم در عمل، دارد؛ ایشان علی‌رغم وجود طوایف مختلف از جمله حضور قوی مسیحیان در پست‌های اصلی، بر تشکیل حکومت اسلامی در لبنان تأکید دارد.

ایشان نقش فکری مهمی در تشکیل حزب‌الله لبنان دارد، گویی این‌که تا مدت‌ها ایشان به عنوان رهبر اصلی این جنبش شناخته می‌شد، اما در واقع، مراجعه جوانان حزب‌الله به ایشان به نزدیکی بیش‌تر آرای سیاسی وی به خط-مشی سیاسی و مبارزاتی حزب الله، در مقایسه با بزرگانی نظیر علامه شمس الدین بر می‌گردد. علامه فضل‌الله در مورد شکل حکومت اسلامی، ضمن ترجیح حضور فقها در رأس اداره حکومت و جامعه، روایات وارده را نقد و به دلالت‌های عقلی در این باب اشاره می‌کند. (علامه فضل‌الله، ۱۳۶۷: ۷۸-۸۰)

در میان اندیشمندان معاصر مکتب جبل عامل، علامه شمس الدین (۱۳۵۴-۱۴۲۱ ه ق) هم جایگاه خاصی دارد. این شخصیت اندیشمند، با داشتن دغدغه‌های بزرگ نظیر اصلاح وضعیت سیاسی مسلمین، به خصوص جامعه شیعی لبنان، دوشادوش مردان بزرگی نظیر امام موسی صدر به جهاد علمی پرداخت. بزرگترین ممیزه و ویژگی ایشان نسبت به دیگر بزرگان مکتب جبل عامل، تقریر منسجم و سامان‌مند اندیشه‌های سیاسی اوست.

فعالیت‌های سیاسی علامه شمس‌الدین و طرح‌های مؤثر وی برای یکپارچگی لبنان از او «مرد گفت و گو» ساخت. وی در واقع با عنایت به دین مبین اسلام و گذشته تاریخی خود سعی داشت تا مشکلات زمانه جهان اسلام را رفع کند. شمس‌الدین، با طرح نظریه «ولایت امت بر خویش»، در واقع در صدد بود تا جدال همیشگی دموکراسی و شریعت را از میان بردارد. در نظر وی قانون شرع باید بتواند خود را با مقتضیات زمانه وفق دهد و چنین توانایی بی در جوهره دین وجود دارد.

ملاک اسلامی بودن حکومت و جامعه در این نظریه حاکمیت واقعی و عملی ارزش‌های انسانی و اسلامی بر جامعه، و منطبق بودن قوانین و نظام سیاسی با موارد زیربنایی اسلامی در عمل است. بنابراین

معیار ارزیابی دینی بودن حکومت ها، ملاک‌های ارزشی، عمقی و محتوایی خواهد بود و نه موارد ظاهری، سطحی و شکلی.

مطالعه آثار شیخ محمد مهدی شیخ‌الدین به همراه نقدهای مختلف که بر آراء وارد شده است، این نظر و فرضیه این پژوهش را اثبات می‌نماید که شیخ محمد مهدی در بیان نظریه حکومتی خود بیشتر از آنکه خود را مقید به چارچوب‌های فقهی و کلامی موجود در نزد شیعه بنماید تحت تأثیر اقتضائات کنونی عالم اسلام، علی‌الخصوص کشور لبنان، از عنصر مصلحت، به عنوان اساسی و پایه نظرات خود استفاده کرده است. شمس‌الدین در عرصه رهبری مجلس اعلا هم حضور داشت. بعد از تاسیس جنبش امل در سال ۱۹۷۵، به تدریج شمس‌الدین در جایگاه قائم مقام امام موسی، مسئولیت اداره این مجلس را به دست گرفت. بعد از ناپدید شدن امام در سال ۱۹۷۸، هر چند ایشان و جانشین فعلی‌اش از عنوان رهبری مجلس اعلا استفاده نمی‌کرد، اما در عمل طی مدت ۲۳ سال مسئولیت مجلس اعلا را بر عهده داشت. (اسماعیلی، ۱۳۹۵: ۱۰۲)

ابتدای دوران مسئولیت وی با انقلاب اسلامی همزمان شد که عملاً تغییر جدی در منطقه، و به تبع آن در میان شیعیان ایجاد کرد. امواج این تغییر بلافاصله در بحرین، عربستان و عراق موجب قیام و مطالبات جدی میان شیعیان آن کشورها شد. در لبنان نیز که اساساً با توجه به سابقه تاریخی و مبارزاتی آن، انقلاب اسلامی مخاطبان جدی و پرشوری پیدا نمود.

با تجاوز رژیم غاصب اسرائیل به لبنان در سال ۱۹۸۲، بخشی از بدنه جنبش امل، در کنار سایر گروه‌ها و جوانان شیعه جنوب لبنان، جنبش حزب الله را که بیش‌ترین قرابت و نزدیکی را به انقلاب اسلامی داشتند و رسماً خود را تحت رهبری امام خمینی قلمداد می‌کردند، تأسیس کردند. بعد از این واقعه مرحوم شمس‌الدین، با توجه به این‌که مجلس اعلا پدر معنوی امل به شمار می‌رفت، عملاً با مشکلات گسترده‌ای روبه‌رو شد. پرورش فکری شمس‌الدین در نجف، با روحیه تساهل و تا حدی محتاطانه، اندیشه سیاسی امام و موج انقلابی به راه افتاده در میان مسلمانان و شیعیان، درگیری‌های نظامی میان حزب الله و امل، مشکلات طوایفی لبنان و خطر گسترده رژیم صهیونیستی از جمله این مشکلات بودند. او در این مدت، تلاش می‌کرد با حفظ ارتباطات با مسئولین جمهوری اسلامی، دولت لبنان و طرف‌های درگیر، از شدت تنش‌ها بکاهد.

بعد از توافق‌نامه طائف که عملاً بر خلاف دیدگاه‌های شمس‌الدین برای اصلاح وضعیت سیاسی لبنان بود و مقارن با دهه پایانی حیات ایشان بود، وی علیرغم مسئولیت رهبری مجلس اعلا و پشتیبانی فکری جنبش امل که آن جنبش نیز بعد از توافق‌نامه مذکور بخش نظامی را تعطیل و در قامت یک حزب سیاسی ادامه حیات داد، بیشتر به فعالیت‌های علمی و اجتماعی پرداخت و حضور سیاسی کم‌رنگ‌تری داشت. این شیوه در ادامه فعالیت مجلس اعلا در دوره بعد از مرحوم شمس‌الدین نیز تداوم داشته، و به طور کلی این مجلس و رهبران آن حضور کمتری در صحنه سیاسی لبنان و منطقه دارند. (همان: ۱۱۲)

شکل‌گیری جنبش حزب الله

اما نقطه اوج تفکر سیاسی شیعی ملهم از انقلاب اسلامی، بی‌شک جنبش حزب الله لبنان است. تشکیل جنبش حزب الله قبل از آن‌که یک انشعاب سیاسی و یا ناشی از تمایلات قدرت در میان شیعیان و به‌صورت عام و جنبش امل به‌صورت خاص باشد، به‌صورت روشن و آشکار تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران و اندیشه سیاسی امام راحل (ره) شکل گرفت. بررسی نوشته‌ها، یادداشت‌ها و سخنرانی‌های شخصیت‌های موجه صحنه سیاسی لبنان نشان می‌دهد پیروزی انقلاب اسلامی به تدریج تغییر گفتمانی در حوزه سیاسی و مذهبی شیعیان لبنان ایجاد کرد. گفتمانی که از بدو حضور علمای فرهیخته‌ای چون امام موسی صدر و دانش‌آموختگان نجف اشرف نظیر مرحوم شمس‌الدین و مرحوم مغنیه متأثر از مشی و سیره بزرگانی نظیر آیت‌الله خوئی و در شکل سیاسی‌تر از مرحوم آیت‌الله صدر (ره) در میان شیعیان لبنان شکل گرفته بود، بیشتر جنبه فرهنگی و فکری داشت، اما انقلاب اسلامی و حرکت امام خمینی (ره) روح جهاد و شهادت‌طلبی را در میان بخشی از علما و نخبگان جوان لبنانی دمید و در واقع متن و پیکره جنبش امل تحت تأثیر این رویکرد نوین قرار گرفتند.

صورت ساده مسئله این بود که در صحنه سیاسی لبنان و پس از پیروزی انقلاب اسلامی به‌صورت عمیق اندیشه‌های محافظه‌کارانه و تساهلی و دارای صبغه فرهنگی که ریشه در نجف اشرف و سیره و سلوک اندیشمندان آنجا داشت، در تقابل اندیشه‌های اصول‌گرایانه و حماسی و با صبغه سیاسی و نظامی که ریشه در تفکرات امام خمینی داشت، در مقابل همه قرار گرفت.

این تقابل به روشنی خود را در جریان حمله ارتش رژیم صهیونیستی به لبنان و اشغال بیروت جلوه کرد. از آن‌جا که هیچ تشکیلات حزبی اسلامی، برای چنین مأموریت بزرگی آمادگی نداشت، توجه به

ضرورت ایجاد تشکیلات اسلامی واحد قوت یافت تا سه هدف اصلی زیر را محور کار خود قرار دهد:

۱. اسلام به‌عنوان شیوه کامل، فراگیر و شایسته برای زندگی بهتر و پایه فکری، عقیدتی، ایمانی و عملی که تشکیلات مورد نظر بر اساس آن ایجاد شود.

۲. مقاومت در برابر اشغالگری اسرائیل، به‌عنوان خطر جاری و آینده که به‌دلیل آثاری که بر لبنان و منطقه می‌گذرد، باید در اولویت‌های رویارویی قرار بگیرد و نیازمند ایجاد ساختار جهادی و مبارزاتی و به‌کارگیری همه امکانات لازم برای انجام مأموریت و وظایف آن است.

۳. رهبری شرعی ولی فقیه به‌عنوان جانشین پیامبر(ص) و امامان(ع) که خطوط کلی فعالیت‌ها را برای امت ترسیم می‌کند و امر و نهی او نافذ و حاکم است.

برای تحقق این اهداف، نمایندگانی از گروه‌های اصلی اسلامی، مطالعه دیدگاه‌های مختلفی را در زمینه ارزیابی و نگرش خود نسبت به نحوه فعالیت‌های اسلامی در لبنان پیگیری کردند و پس از تدوین طرح نهایی نه نفر را به‌عنوان نمایندگان خود برگزیدند.

تجمع علمای بقاء، کمیته‌های اسلامی و جنبش امل اسلامی^۱ هر یک سه نماینده در این جمع داشتند. این گروه طرح نهایی خود را که به «سند ۹» معروف شد و متضمن اهداف یادشده بود، به امام خمینی (قدس سره) تقدیم کردند و مورد موافقت ایشان قرار گرفت و در نتیجه با نظر موافق ولی فقیه، مشروعیت یافت. پس از آن گروه‌های اسلامی موافق سند یاد شده، تصمیم به انحلال ساختارهای تشکیلاتی موجود خود گرفتند و تشکل واحد جدیدی ایجاد شد که بعداً «حزب‌الله» نام گرفت. پس از مشورت‌هایی چند، کادر رهبری مؤسس حزب انتخاب و گام‌های نخستین برای استفاده از توان‌های

۱. جنبش امل اسلامی انشعابی بود، از جنبش امل - به ریاست آقای نبیه‌بری - که رهبری آن را نایب رئیس جنبش امل آقای سیدحسین موسوی بر عهده داشت و در نتیجه اختلاف در مواضع سیاسی نسبت به تحولات پس از تجاوز اسرائیل به وجود آمد. پس از تجاوز اسرائیل، هیئت نجات در لبنان تشکیل شد که شامل نبیه‌بری از جنبش امل، بشیر جمیل رهبر نیروهای لبنانی [موسوم به فالانژیست‌ها]، ولید جنبلاط رئیس جنبش ملی و شفیق وزان نخست‌وزیر لبنان بود و نخستین نشست خود را به ریاست الیاس سرکیس رئیس جمهوری لبنان در ۲۰ ژوئن ۱۹۸۲ یعنی ۱۴ روز پس از تجاوز اسرائیل به خاک لبنان تشکیل داد. انشعاب‌کنندگان از امل، در واقع به حضور این جنبش به نمایندگی شخص رئیس آن در هیئت نجات اعتراض داشتند.

شخصی- و نه تشکیلاتی- افراد مختلف آغاز شد، نظامنامه و مقررات داخلی مربوط به عضویت تدوین شد و تلاش فعالانه‌ای از طریق علمای دینی برای بسیج مردم و فراخوان آنان به سوی آموزش نظامی و مقاومت در برابر اشغالگری اسرائیل در چارچوب یک برنامه اسلامی مرتبط با رهبری ولی فقیه صورت گرفت.

این مرامنامه تاکید می‌کند: انسان مکلف نیازمند رهبر است که همان ولی فقیه است که سیاست‌های کلی را در زندگی امت و وظیفه عملی مکلفان را در اجرای احکام شرع مقدس و مواظبت بر پیاده کردن آنها در زندگی است مشخص و معین می‌کند. البته، مرجعیت و ولایت می‌تواند در یک شخص جمع شود، همان‌گونه که در مورد امام خمینی (قدس سره) پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و آیت‌الله خامنه‌ای (حفظ‌الله) پس از مدت کوتاهی از انتخابش به‌عنوان ولی فقیه، رخ داد.

ارتباط با ولایت، تکلیف و التزامی است که همه مکلفان را دربر می‌گیرد، حتی اگر مقلد مرجع تقلید دیگری باشند، چرا که در مسیر حرکت عمومی اسلامی، آمریت و فرماندهی از آن ولی فقیه متصدی امور است.

در این‌جا نباید از تعارض احتمالی ناشی از زندگی مکلفان در کشورهای مختلف در هراس بود، چرا که حدود تعیین شده از سوی ولی فقیه، دو مسئله را مورد توجه قرار می‌دهد: نخست، اجرای احکام شرعی و خودداری از آنچه مخالف آن است و دوم، شرایط برونی و ویژگی‌های هر گروه یا کشوری که بر حوزه تکلیف و حدود عمل او تأثیر می‌گذارد.

پایبندی حزب‌الله به ولایت فقیه، حلقه‌ای از این زنجیره و فعالیتی در دایره اسلام و اجرای احکام آن و رفتاری در چارچوب دیدگاه‌ها و قواعدی است که ولی فقیه آن را ترسیم می‌کند. بدیهی است که مدیریت، پیگیری، همگامی یا جزئیات و امور تفصیلی، اتخاذ تدابیر مناسب، فعالیت سیاسی روزمره، حرکت فرهنگی و اجتماعی و حتی جهاد علیه اشغالگران اسرائیلی و جوانب گوناگون آن، بخشی از مسئولیت رهبری منتخب از سوی کادرهای حزب، براساس آیین‌نامه‌های داخلی مصوب است که در شورای مرکزی حزب و در رأس آن دبیر کل تجلی یافته، مشروعیت خود را از ولی فقیه کسب می‌کند و دارای اختیارات وسیعی است که به آن تفویض شده است تا در انجام مأموریت‌ها، این شورا را یاری کند. البته، یک حاشیه خاص شخصی همواره باقی می‌ماند که هماهنگ با برآوردهای شورا نسبت به اقدامات اجرایی مفید و سودمند در صحنه عملی تعیین خواهد شد. (نعیم قاسم، ۱۴۲۳: ۱۲۰)

این اختیارات متضمن استقلال وسیعی در اقدامات اجرایی است، به طوری که نیازی به پیگیری مستمر و روزمره ولی فقیه نباشد. چنانچه رهبری حزب با مسایلی مهم روبه‌رو شود که نقطه عطفی در روند حرکت باشد یا بر یکی از پایه‌ها و ارکان فعالیت اثر بگذارد یا مربوط به یک گلوگاه اصلی باشد و نیازمند شناخت حکم شرعی در مورد آن است، در این صورت اقدام به پرسش یا کسب اذن قبلی برای تأمین مشروعیت فعل یا ترک فعل خواهد کرد. روشن است که پابندی به ولایت فقیه، دایره فعالیت داخلی در لبنان و ایجاد روابط مختلف را محدود نخواهد کرد، همچنان که حوزه روابط و همکاری منطقه‌ای و بین‌المللی را با طرف‌هایی که حزب‌الله در استراتژی یا بعضی از مسایل، احیاناً با آنها دارای نقاط مشترکی است، تنگ‌تر نخواهد کرد.

از آنجا که هر فعالیتی، با ویژگی‌ها و شرایط خاص یک کشور ارتباط می‌یابد، فعالیت‌های حزب‌الله نیز تلفیقی از روش‌های اسلامی و تابعیت لبنانی است. حزب‌الله در همه سطوح، از رهبران تا کادرها و اعضاء، حزبی لبنانی است و به مسایل این کشور در عرصه‌های جهادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی توجه دارد و در عین حال، حامل پرچم اسلام است که هم این حزب و هم دیگران را در نقاط مختلف جهان، زیر لوای خود قرار داده است. پرداختن به مسایل جهان اسلام و مستضعفان نیز در تعارض با اهتمام با مسائل ملی که باید در جهت مردود شمردن ستم و تجاوز و تلاش برای تحقق عدالت و رعایت اولویت‌ها و مصالح باشد، نخواهد بود.

برخورداری حزب‌الله از حمایت‌های جمهوری اسلامی ایران مانند برخورداری دولت لبنان است. این برخورداری ناشی از باور ایران نسبت به سلامت خط حزب‌الله و حق آن در جهاد و مقاومت و نیز حقوق لبنان در بازپس‌گیری سرزمین‌های اشغالی است، همچنان که فلسطینیان نیز دارای حقی مشابه هستند. از سوی دیگر، این برخورداری با باورهای حزب‌الله نسبت به سلامت روش دولت اسلامی ایران و تغییراتی که در نقشه سیاسی منطقه ایجاد کرده، منجر به استقلال از وابستگی به غرب شده و دیدگاه اسلامی نویدبخشی را مطرح کرده است، هماهنگی دارد. در این زمینه، پابندی ایران به اوامر ولی فقیه، این اشتراک را با دیدگاه حزب‌الله نسبت به مسایل منطقه و اهداف آزادی‌بخش تسهیل کرده است. بدیهی است که میان نحوه مدیریت امور دولت اسلامی ایران و مدیریت حزب‌الله رابطه‌ای وجود ندارد، چرا که این دو، نهادهایی متمایزند که هر یک دارای ویژگی‌های خود در موقعیت خاص و برخوردار از

دو سیستم مدیریت متفاوت است، هرچند که در پابندی و التزام به ارشادات و اوامر ولی فقیه که ناظر بر همه امت است و منحصر به یک حوزه جغرافیایی نیست، مشترک باشند.

در واقع، ارتباط حزب‌الله با اسلام، او را در موقعیت التزام به اوامر و نواهی الهی قرار داده است. حزب‌الله بر خود فرض می‌داند که هرگز از آموزه‌های الهی عدول نکند، تمسک حزب‌الله به یک موضع شرعی، به معنای اعتقاد به دیدگاهی تعیین‌پذیر نیست اما اگر مسئله در حوزه گزینه‌های مختلف و از مسایل مباح باشد، می‌تواند بر اساس دلایل، مصلحت و اعتباراتی دیگر که مفید در آن زمینه است، در تصمیم خود بازنگری کند. برای مثال، اشغال‌گری حرام است و این یک موضع شرعی است. بنابراین، در هیچ شرایطی نمی‌توان به اشغال‌گری مشروعیت بخشید، اما شیوه رویارویی، در چارچوب احتمالات و گزینه‌های مختلف قرار می‌گیرد که بر اساس داده‌های میدانی و شرایط حاکم، نسبت به آنها تصمیم‌گیری می‌شود.

مشی عملی حزب الله از سال ۱۹۸۳ تا ۲۰۲۵

حزب الله لبنان پس از طی دوره تاسیس و حصول توافق با سازمان امل و موفقیت‌های پی در پی نظامی، به ویژه اخراج نیروهای صهیونیستی در لبنان در سال ۲۰۰۰ میلادی، و مقاومت پیروزمندانه جنگ ۳۳ روزه سال ۲۰۰۷ به قدرت اول سیاسی و نظامی در لبنان تبدیل شد. با این حال رهبری خردمندانه و ملهم از اندیشه سیاسی انقلاب اسلامی و هدایت‌های کلان ولایت فقیه، حزب الله را از عداد سایر گروه‌های سیاسی فعال در صحنه انتخابات لبنان خارج نکرد. در هر انتخاباتی، جنبش حزب الله مشارکت فعالی در ساختار سیاسی لبنان ایفا کرده، و این مسیر را تا امروز بدون وقفه ادامه داده است. حزب‌الله نخستین بار در سال ۱۹۹۲ م در انتخابات لبنان شرکت کرد و دوازده کرسی مجلس را کسب نمود. در سال ۱۹۹۶ م، ده کرسی و در سال ۲۰۰۰، دوازده کرسی از ۱۲۸ کرسی مجلس لبنان را به‌دست آورد. (نعیم قاسم، ۱۴۲۳ق: ۲۷۳-۲۷۶) در انتخابات عمومی سال ۲۰۰۵ م در سطح کشور، به تنهایی، چهارده کرسی و در جنوب لبنان تمام ۲۳ کرسی را در ائتلاف با جنبش امل کسب نمود و محمد فنیس را به‌عنوان وزیر آب و انرژی به کابینه فرستاد. (همان)

پس از سال ۲۰۰۵ م حزب‌الله در شمار گروه‌های هشت مارس قرار گرفت. در سال ۲۰۰۵ هم‌زمان با ترور حریری، دست‌بندی‌های جدیدی در عرصه سیاسی لبنان شکل گرفت. گروه هشت مارس در پی گردهمایی سال ۲۰۰۵ حزب‌الله در بیروت و به‌دنبال مخالفت با خلع سلاح این گروه، حمایت از

سوریه و مقاومت در برابر اسرائیل شکل گرفت؛ جبهه متحدی که برگرفته از حزب الله، حزب آمل و حزب مسیحی آزاد بود و بعدها جریان‌های دیگری مانند جماعت اسلامی لبنان، جنبش توحید اسلامی و حزب دموکرات لبنان (دروزی) به آن اضافه شدند.

در انتخابات سال ۲۰۰۴ شوراهای شهری و روستایی کاندیداهای حزب الله در منطقه ضاحیه بیروت و همچنین استان جبل به پیروزی دست یافتند.

در دولت فعلی و جدید که بعد از شهادت سید حسن نصرالله گمان می رفت، حضور سیاسی حزب الله رو به افول خواهد بود، ۵ عضو کابینه جدید از میان اعضای امل و حزب الله انتخاب شدند.

در کنار فعالیت‌های سیاسی، نظامی و دفاعی، حزب الله فعالیت‌های اجتماعی‌ای نیز دارد که برخی عبارت‌اند از:

احداث مؤسسه جهاد سازندگی برای بازسازی خرابی‌های ناشی از تجاوزات اسرائیل و بلایای

طبیعی

جمع‌آوری زباله‌های شهری حومه جنوب بیروت در سال‌های ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۱م

تأمین آب آشامیدنی حاشیه جنوبی بیروت

فعالیت‌های کشاورزی

احداث جمعیت اسلامی بهداشت و مراکز درمانی و بیمارستانی متعدد

ارائه خدمات آموزشی و کمک آموزشی به دانش‌آموزان

تأسیس بنیاد شهید برای ارائه خدمات به خانواده‌های شهدا

تأسیس کمیته امداد خیریه اسلامی برای حمایت از محرومان. (نعیم قاسم، ۱۴۲۳ ق: ۱۲۱)

مؤسسه خیریه قرض الحسن: حزب الله در سال ۱۹۸۲م این مؤسسه به دنبال احیای سنت

اسلامی قرض الحسنه است با حمایت و مشارکت افراد خیر به افراد بی بضاعت وام قرض الحسنه می‌دهد. این مرکز در مناطق مختلف لبنان شعبه دارد. ارتش اسرائیل در سال ۲۰۰۶م ۶ شعبه از ۹ شعبه

این مؤسسه را تخریب کرد. این حال بر اساس گزارش الجزیره، تعداد شعب این مؤسسه در سال

۲۰۲۳م به ۳۴ شعبه رسیده است. اسرائیل در حمله ۲۰۲۴ به لبنان نیز تعدادی از شعبه‌های آن را

بمباران کرد.

شاید هر گروه سیاسی با اندک استعداد و آمادگی نظامی حزب الله، صحنه رقابت های سیاسی را درک، و با اتکا به پشتوانه نظامی، امیال خود را دنبال می کرد. اما شهید سید حسن نصرالله که در آخرین نبرد خونین با صهیونیست ها در اکتبر سال ۲۰۲۴ به شهادت رسید در طول ۳۲ سال رهبری حزب الله، تمامی فعالیت های سیاسی داخل لبنان را در قالب قانون اساسی این کشور انجام داد.

سید حسن نصرالله و حزب الله به دلیل همین اقدامات دولت- ملت سازی در لبنان مورد تجلیل و تکریم اکثریت شهروندان لبنانی قرار گرفتند و شاهد آن، پیروزی های مکرر سیاسی در انتخابات مختلف، علی رغم بسیج همه امکانات کشورهای عربی مخالف حزب الله، غربی و رژیم صهیونیستی است. در واقع حزب الله متأثر از اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) و رهبر انقلاب اسلامی، نگاه مردم پایه در تشکیل حاکمیت دارد (اسماعیلی، ۱۳۹۸: ۶۵) و با توجه به نداشتن اکثریت عددی، با پذیرش نظام دموکراسی طایفه محور در لبنان، خود را متعهد به آن می داند. این تجربه ممتاز در کنار عملکرد گروه های سلفی در کشورهای منطقه که مورد حمایت امریکا و کشورهای مخالف جبهه مقاومت هستند و تشکیل حکومت را با استفاده از زور و خشونت مجاز می دانند، بیشتر درخشش پیدا می کند. (اسماعیلی، ۱۳۹۷: ۱۹۵)

تشییع جنازه میلیونی سید حسن نصرالله، که پس از ۵ ماه از شهادتش در بیروت و زیر تهدیدات نظامی صهیونیست ها برگزار شد، محبوبیت بالای حزب الله در لبنان را به رخ جهانیان کشاند.

نتیجه گیری

جامعه شیعی لبنان و جبل عامل نیز که به رغم سابقه درخشان و نقش مهمی که در ساخت جامعه شیعی در دوره صفوی داشت، در رخوت به سر می برد، با حضور مردان بزرگی چون علامه شرف الدین و به دنبال آن امام موسی صدر، حیات علمی و عملی دوباره ای یافت. اندیشمندان بزرگ معاصر آن، علامه سید محمد حسین فضل الله و مرحوم علامه محمدمهدی شمس الدین بزرگانی بودند که با تدوین و ساماندهی اندیشه شیعی و دیدگاه های سیاسی، متناسب با شرایط و مقتضیات جامعه لبنانی، به ارائه نظریه پرداخته اند.

با پیروزی انقلاب اسلامی و تأثیرات گسترده آن، تفکر سیاسی جدیدی در لبنان نضج گرفت که به تدریج به گفتمان غالب شیعیان این خطه تبدیل شد. جنبش حزب الله، متأثر از اندیشه سیاسی

امام خمینی (ره)، با حل معضل ارتباط با ولی فقیه عادل مستقر در کشور دیگر و شرکت در ساختار حکومتی یک کشور چند قومیتی که به لحاظ سهم‌دهی سیاسی نیز شیعیان در اقلیت قرار دارند، مرحله‌ای دیگر از بلوغ سیاسی اندیشه شیعی را به نمایش گذاشته است.

فهرست منابع:

- امام خمینی (۱۳۷۸). حکومت اسلامی. تهران: موسسه تنظیم نشر آثار امام خمینی (ره).
- اسماعیلی، محمد مهدی (۱۳۹۵). تطور اندیشه سیاسی تشیع در ۵۰ سال اخیر با تأکید بر مکاتب جبل عامل و نجف. تهران: نشر معارف.
- اسماعیلی، محمد مهدی (۱۳۹۸). اندیشه سیاسی آیت الله خامنه‌ای. تهران: موسسه فرهنگی انقلاب اسلامی (نشر آثار رهبر انقلاب اسلامی).
- اسماعیلی، محمد مهدی (۱۳۹۷). جمهوریت و تغلب در آرای امام خمینی و سید قطب و تاثیر آن بر حرکت‌های اسلامی معاصر. تهران. فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست. دوره هفت. شماره ۲۵. صص ۱۷۹-۱۹۸.
- لک‌زایی، نجف (۱۳۸۲). روش‌شناسی فقه سیاسی شیعه. فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۱. پولادی، کمال (۱۳۸۵). تاریخ اندیشه سیاسی در ایران و اسلام. تهران: نشر مرکز.
- جعفریان، رسول (۱۳۷۶). حیات فکری سیاسی امامان شیعه. ج ۲. قم: انتشارات انصاریان.
- حقیقت، سید صادق (۱۳۷۸). توزیع قدرت در اندیشه سیاسی شیعه. تهران، نشر کویر.
- شمس‌الدین، محمد مهدی (۱۴۱۷). نظام الحکم و الاداره فی الاسلام. بیروت: مرکز المؤسسه الجامعیه الدراسات و النشر و التوزیع.
- شمس‌الدین، شیخ محمد مهدی (۱۹۹۲). نظام الحکم و الاداره فی الاسلام. قم، دارالتقافه للطباعه و النشر، چاپ سوم.
- شیخ انصاری، مرتضی (۱۴۱۰ق). مکاسب ج ۲. بیروت: مؤسسه النعمان.
- فیرحی، داود (۱۳۸۲). نظام سیاسی و دولت در اسلام، تهران: سمت.
- قاسم، شیخ نعیم قاسم (۱۴۲۳ه ق). حزب‌الله: المنهج - التجربة - المستقبل. بیروت: دار المحجّه البيضاء.

قاسمی، فرج الله (۱۳۸۸). مرجعیت و سیاست در عراق پس از اشغال. فصلنامه علوم سیاسی. سال دوازدهم، شماره ۴۴.

کدیور، محسن (۱۳۸۷). حکومت ولایی. تهران: نشرنی.

لمبتون، ان کی. اس. (۱۳۷۴). دولت و حکومت در اسلام، ترجمه سید عباس صالحی و محمد مهدی فقیهی. تهران: مؤسسه عروج.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۲). اسلام و مقتضیات زمان. تهران: انتشارات صدرا.

نجفی، موسی و رسول جعفریان (۱۳۶۳). سده تحریم تنباکو، تهران: امیرکبیر.